

قواعد حاکم بر موضوع و شرایط شکلی قراردادهای واگذاری حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی در حقوق ایران و فرانسه (با رویکردی به نظریه وحدت هنر)

سید محمدمهدی قبولی درافشان* سعید محسنی**

چکیده

در حقوق ایران و فرانسه، قواعد مربوط به تشکیل قراردادهای ناظر بر حقوق طرح‌های صنعتی در قسمت مقررات ویژه مربوط به طرح‌های مزبور پیش‌بینی نشده است. به همین جهت در حقوق فرانسه برای تبیین احکام مربوط به موضوع قراردادهای یادشده، افزون بر قواعد عمومی قراردادها، با استناد به نظریه «وحدت هنر»، از قواعد پیش‌بینی شده در بخش حقوق ادبی و هنری استفاده شده است. در حقوق فعلی ایران به‌رغم امکان پذیرش نظریه وحدت هنر، به دلیل عدم وجود مقررات ویژه درباره قراردادهای راجع به حقوق ادبی و هنری، باید از قواعد عمومی قراردادها بهره برد. در خصوص شرایط شکلی مربوط به قراردادهای واگذاری حقوق ناشی از طرح صنعتی نیز باید گفت، هرچند تنظیم کتبی قراردادهای مزبور لازمه ثبت آن است لیکن کتبی بودن قرارداد، شرط انعقاد قرارداد نیست. در عین حال در هر دو نظام حقوقی، ثبت قرارداد، شرط لازم برای قابلیت استناد آن در برابر اشخاص ثالث است.

ghaboli@um.ac.ir

* دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

s-mohseni@um.ac.ir

** دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

واژه‌های کلیدی: طرح صنعتی، قرارداد واگذاری، اصل وحدت هنر، حقوق ادبی و هنری، حقوق مالکیت صنعتی، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

۱. مقدمه

طرح صنعتی که به ابعاد زیباشناختی محصولات مربوط می‌شود، از انواع مهم مالکیت‌های صنعتی به شمار می‌آید. بهره‌برداری وسیع از طرح‌های صنعتی در صنایع گوناگون بر اهمیت این‌گونه مالکیت‌ها افزوده است. نقش این نوع مالکیت در عرصه اقتصاد و تجارت موجب گردیده که قراردادهای راجع به انتقال و بهره‌برداری از حقوق مربوط به طرح‌های صنعتی از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. در نظام حقوقی فرانسه، مقررات ویژه حمایت از طرح‌های صنعتی در کتاب پنجم قانون مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۲ منعکس گردیده است. در نظام حقوقی ایران نیز فصل دوم از قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ (مواد ۲۰ تا ۲۹) برای نخستین بار مقررات مستقلی را به طرح‌های صنعتی اختصاص داده است. لیکن در مقررات نظام‌های حقوقی مزبور، همه قواعد حاکم بر قراردادهای واگذاری حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی تبیین نگردیده است.

این جستار درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی، قواعد مربوط به موضوع قراردادهای واگذاری و بهره‌برداری از حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی و نیز قواعد شکلی مربوط به قراردادهای مزبور را در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، مورد بررسی قرار دهد. علت انتخاب نظام حقوقی فرانسه برای مطالعه تطبیقی، علاوه بر قرابت‌های موجود میان این نظام حقوقی با نظام حقوقی ایران، برخوردار بودن حقوق فرانسه از پیشینه مطالعاتی قابل توجه در حوزه مالکیت‌های فکری است.

در این راستا از سویی، با توجه به اینکه در نظام حقوقی فرانسه، در خصوص موضوع قراردادهای واگذاری حقوق ادبی و هنری با قواعد ویژه‌ای روبرو هستیم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قواعد مزبور در خصوص قراردادهای واگذاری طرح‌های صنعتی نیز قابل استفاده است یا خیر؟ پاسخ به این سؤال در گرو بررسی پذیرش یا

عدم پذیرش نظریه وحدت هنر است (۲). تبیین بحث مقدماتی مزبور می‌تواند در بررسی شرایط ماهوی مربوط به موضوع قرارداد مؤثر واقع گردد (۳). از سوی دیگر، با توجه به اینکه حمایت از طرح‌های صنعتی مستلزم رعایت برخی تشریفات است، این سؤال نیز مطرح می‌شود که آیا انعقاد قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی نیز تابع شرایط شکلی ویژه‌ای است یا اصل رضایی بودن قراردادها در مورد آن حکم‌فرما است؟ برای دست‌یازیدن به پاسخ سؤال اخیر بررسی شرایط شکلی مربوط به قراردادهای مزبور ضروری است (۴).

۲. نظریه وحدت هنر

در خصوص قواعد حاکم بر تشکیل قراردادهای واگذاری حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی به‌طور طبیعی در مواردی که مقررات ویژه توسط قانون‌گذاران پیش‌بینی شده است، رعایت قواعد مزبور ضروری است. بدیهی است در موارد سکوت یا ابهام قوانین، استفاده از قواعد عمومی قراردادها می‌تواند در تبیین قواعد حاکم بر قراردادهای واگذاری حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی کارگشا باشد. لیکن با توجه به اینکه طرح‌های صنعتی دارای ویژگی هنری است، باید دید آیا می‌توان از قواعد ویژه‌ای که برای حمایت از پدیدآورنده آثار ادبی و هنری در زمینه تشکیل قراردادهای ناظر به آثار مزبور مقرر گردیده، بهره برد.

هرچند در خصوص امکان یا عدم امکان بهره‌گیری از حمایت‌های مقرر برای مالکیت‌های ادبی و هنری در مورد طرح‌های صنعتی (که در زمره مالکیت‌های صنعتی به‌شمار می‌آیند)، در نظام‌های حقوقی مختلف رویکردهای متفاوتی وجود دارد (WIPO, 2016: 5) (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۲۰۵-۲۰۶)، لیکن در دکتترین حقوقی فرانسه بر اساس نظریه‌ای تحت عنوان نظریه «وحدت هنر»^۱ به سؤال مزبور پاسخ مثبت داده شده است. به موجب نظریه مزبور که در نظام حقوقی فرانسه ابتدا توسط رئیس کانون وکلای وقت فرانسه - آقای پوئییه^۲ - مطرح گردیده است، یک آفرینش تزئینی می‌تواند هم در قالب حقوق ادبی و هنری و هم در قالب حقوق ویژه طرح‌های صنعتی، مورد حمایت قرار گیرد (Chavane et al., 2006: 625-626; Pollaud-Dulian, 1999:)

3-4: Greffe, 1976; 378-380). در واقع بر اساس این نظر نباید میان آثار هنری که صرفاً با اهداف هنری ایجاد گردیده‌اند و آثار هنری که دارای کاربرد صنعتی بوده و برای بهره‌برداری تجاری تولید شده‌اند، از حیث حمایت هنری تفاوت گذاشت. (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۲۳۲) با این توضیح، طرح صنعتی با توجه به ویژگی هنری و نیز صنعتی آن در عین حال که مصداقی از مالکیت‌های صنعتی است، اثری هنری نیز به شمار می‌آید و از این حیث علاوه بر شمول مقررات ویژه طرح‌های صنعتی، می‌تواند در موارد فقدان مقرر مخالف، تحت پوشش حمایت‌های پیش‌بینی شده برای آثار هنری نیز قرار گیرد.

نظریه مزبور از دکترین فرانسه به قانون مالکیت فکری فرانسه نیز راه یافته است؛ زیرا از سویی ماده L112-1 و بند ۱۰ ماده L112-2 قانون مالکیت فکری که مربوط به قسمت حقوق ادبی و هنری قانون مزبور است، آثار مربوط به هنر کاربردی^۳ را در زمره آثار مورد حمایت توسط حقوق ادبی و هنری قرار داده است. طبیعی است با توجه به این‌که طرح صنعتی نوعی هنر کاربردی به شمار می‌آید، مشمول آثار ادبی و هنری و برخوردار از حمایت‌های ویژه آن است.

از سوی دیگر ماده L513-2 قانون مزبور نیز که خود از مقررات ویژه مربوط به طرح‌های صنعتی است، به صراحت قاعده مزبور را منعکس نموده است. به موجب ماده اخیر، «ثبت یک طرح یا مدل به دارنده آن حق مالکیتی اعطا می‌نماید که امکان واگذاری یا اعطای مجوز بهره‌برداری در مورد آن را فراهم می‌نماید، بدون اینکه به حقوق ناشی از اعمال سایر مقررات قانونی به‌ویژه کتاب‌های نخست و سوم قانون حاضر لطمه‌ای وارد نماید.»^۴ همان‌گونه که به وضوح از این ماده استنباط می‌شود، طرح صنعتی می‌تواند از حمایت‌های کتاب‌های نخست و سوم قانون مالکیت فکری فرانسه استفاده نماید. کتاب نخست تحت عنوان حقوق پدیدآورنده^۵ آثار ادبی و هنری و کتاب سوم با عنوان «مقررات عمومی مربوط به حقوق پدیدآورنده، حقوق مجاور و حقوق تولیدکنندگان پایگاه داده‌ها»^۶ دربردارنده مقررات حمایت‌کننده در زمینه آثار ادبی و هنری است؛ بنابراین در صورتی که طرح صنعتی عنوان اثر هنری را نیز در برداشته باشد، قانون‌گذار فرانسه شمول حمایت‌های مزبور نسبت به طرح صنعتی را مورد

پذیرش قرار داده است.

در نظام حقوقی ایران نیز نظریه وحدت هنر می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، طرح صنعتی علاوه بر اینکه مصداقی از مالکیت صنعتی است، می‌تواند دارای ویژگی‌های هنری بوده و اثری هنری به شمار آید. در واقع اثر واحد می‌تواند دو حیثیت مختلف داشته باشد و بر اساس هر یک از این دو حیثیت، از آثار ویژه مترتب بر هر یک از حیثیات مزبور نیز برخوردار گردد. به ویژه اینکه دو دسته آثار مزبور تعارضی با یکدیگر نداشته، اصولاً مانعه‌الجمع نمی‌باشند. البته لازم به ذکر است که برخورداری از حمایت‌های مربوط به هر یک از دو دسته مالکیت‌های فکری (مالکیت صنعتی و حقوق ادبی و هنری) مستلزم فراهم آمدن شرایط ویژه‌ای است که در هر مورد قانون‌گذار لازم دانسته است.

برداشت مزبور بر اساس متون قانونی نظام حقوقی ایران نیز قابل تأیید است. توضیح اینکه طرح‌های صنعتی می‌تواند مشمول عنوان «اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم» مذکور در بند ۹ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و از مصادیق آن به شمار آید؛ بنابراین در نظام حقوقی ایران، امکان حمایت از طرح صنعتی در قالب حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی، به‌طور همزمان وجود دارد (در تأیید این نظر، رک. امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، می‌توان در مقام تبیین قواعد حاکم بر قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی، از مقررات مربوط به قراردادهای ناظر به حقوق ادبی و هنری استفاده نمود. در همین راستا، در مباحث آتی برای تبیین و تحلیل قواعد حاکم بر تشکیل قراردادهای واگذاری و بهره‌برداری از حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی، ضمن استفاده از مقررات ویژه طرح‌های صنعتی، به قواعد ویژه قراردادهای مربوط به آثار ادبی و هنری و نیز قواعد عمومی قراردادها نیز توجه خواهیم داشت.

۳. شرایط ماهوی مربوط به موضوع قرارداد

بدیهی است قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی نیز اصولاً مشمول قواعد عمومی قراردادهاست. با این همه با توجه به ویژگی خاص طرح‌های صنعتی، معلوم و معین بودن موضوع در این دسته از قراردادها از اهمیت وافری برخوردار بوده و شایسته بررسی است. بدین منظور از سویی، لازم است لزوم معلوم و معین بودن و چگونگی آن در مورد حقوق انتقالی در قراردادهای مزبور بررسی گردد و مشخص شود که چه میزان از حقوق مربوط به طرح‌های صنعتی قابل واگذاری است. از سوی دیگر، باید احکام مربوط به تعیین عوض در این دسته از قراردادها مورد مطالعه قرار گیرد.

۳.۱. تعیین گستره حقوق انتقالی

برای تبیین گستره حقوق انتقالی در قراردادهای راجع به طرح‌های صنعتی، در وهله نخست باید به این نکته توجه داشت که از سویی، طرح صنعتی یکی از مصادیق مالکیت‌های صنعتی به شمار می‌آید. از این روی پدیدآورنده طرح صنعتی در چارچوب قواعد مربوط به مالکیت‌های صنعتی از حق انحصاری بهره‌برداری از طرح صنعتی خویش برخوردار است. از سوی دیگر، حمایت از طرح‌های صنعتی محدود به حمایت‌های ویژه مالکیت‌های صنعتی نیست. بلکه با توجه به اینکه طرح‌های صنعتی دارای ویژگی هنری نیز می‌باشند، مصداق اثر هنری بوده، از حمایت‌های ویژه مالکیت‌های ادبی و هنری نیز برخوردار هستند. با توجه به ویژگی اخیر، طرح‌های صنعتی علاوه بر حقوق مادی، حقوق معنوی را نیز برای پدیدآورنده خویش به ارمغان می‌آورند.

حال با توجه به وجود دو دسته حقوق مادی و معنوی برای طرح‌های صنعتی، باید گفت آنچه می‌تواند مورد داد و ستد قرار گیرد، حقوق مادی طرح‌های صنعتی است. در واقع حقوق معنوی طرح‌های مزبور قابل انتقال نیست. منظور از حقوق معنوی آثار ادبی و هنری حقوقی از قبیل حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار و عرضه اثر و حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده بوده که وابسته به شخصیت پدیدآورنده است و به همین جهت، غیر قابل انتقال دانسته شده‌اند. ماده چهار قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و

هنرمندان، در این خصوص مقرر نموده: «حقوق معنوی پدیدآورنده ... غیر قابل انتقال است.» (برای مطالعه تفصیلی در این خصوص، رک. زرکلام، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۵) ماده L121-1 قانون مالکیت فکری فرانسه نیز حق احترام به نام و سمت و اثر پدیدآورنده را به عنوان حقوق معنوی، غیر قابل انتقال دانسته است.^۷

در خصوص حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی باید گفت، پدیدآورنده می تواند تمام یا قسمتی از حقوق مزبور را به دیگری واگذار نماید یا اجازه بهره برداری از آن را اعطا کند. البته در کتاب پنجم قانون مالکیت فکری فرانسه راجع به طرح های صنعتی، در خصوص انتقال حقوق مادی طرح های صنعتی یا اجازه بهره برداری از آن، مقررات ویژه ای پیش بینی نگردیده است. (Chavane et al. 2006: 696) هرچند اصل قابلیت انتقال حقوق مربوط به طرح های صنعتی در ماده L513-2 مورد پذیرش قرار گرفته است.

البته صرف نظر از مقرر مزبور، از سویی، اصل بر آزادی قراردادی و حاکمیت اراده است و منعی برای انتقال حقوق مادی طرح های صنعتی وجود ندارد. از سوی دیگر، همان گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Chavane et al., 2006: 696) بیان داشته اند، با توجه به ویژگی هنری طرح های صنعتی و شمول احکام مربوط به آثار ادبی و هنری بر طرح های صنعتی، می توان از احکام مربوط به حقوق ادبی و هنری در این خصوص بهره برد. در این راستا در حقوق فرانسه با ماده L131-4 قانون مالکیت فکری فرانسه^۸ روبرو هستیم که قابلیت انتقال کلی و جزئی حقوق مادی آثار ادبی و هنری را مورد تصریح قرار داده است. با توجه به ویژگی پیش گفته در مورد طرح های صنعتی، مقرر اخیر درباره طرح های صنعتی نیز قابل استناد خواهد بود.

همان گونه که بیان شد، مالک طرح صنعتی می تواند حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی خود را به صورت کلی یا جزئی انتقال دهد. لیکن باید توجه داشت که در صورت انتقال کلی حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی، دکترین حقوقی (Pollaud-Dulian, 1999, p. 437, n° 978) و رویه قضایی فرانسه (Pollaud-Dulian, 1999: 437) معتقد است که قرارداد مزبور ناظر به شیوه های تصریح شده در قرارداد است. در این زمینه به بند اخیر ماده L122-7 قانون مالکیت فکری فرانسه استناد گردیده است. به

موجب این بند، «هنگامی که قرارداد متضمن انتقال کلی یکی از دو حق مذکور در این ماده [حق عرضه و حق تکثیر] است، قلمرو انتقال محدود به شیوه‌های پیش‌بینی شده در قرارداد است.»^۹ بر اساس مستنبط از این ماده که در پی حمایت ویژه از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری است، به رغم انتقال کلی حقوق، تصریح به جزئیات حقوق مورد انتقال و شیوه‌های بهره‌برداری ضروری است (Pollaud -Dulian, 2005: 583)؛ بنابراین در صورت عدم تصریح به برخی از شیوه‌های بهره‌برداری، اصل بر تفسیر مضیق حقوق انتقالی است و آنچه به صراحت انتقال نیافته است، برای خود پدیدآورنده محفوظ خواهد ماند (زرکلام، ۱۳۸۸: ۲۷۴).

به موجب بند نخست ماده L131-3 قانون مالکیت فکری فرانسه نیز هر یک از حقوقی که موضوع انتقال قرار می‌گیرد باید به صورت دقیق و از حیث شیوه بهره‌برداری^{۱۰}، هدف آن^{۱۱}، مکان آن^{۱۲} و زمان آن^{۱۳} بهره‌برداری مشخص گردد. عدم رعایت مقرر مزبور بطلان قرارداد را در پی دارد. (Pollaud -Dulian, 2005: 584) به نظر می‌رسد با توجه به جنبه حمایتی بطلان در این مورد که هدف آن حمایت از پدیدآورنده است، نوع بطلان در این مورد بطلان نسبی است. بطلان نسبی وضعیتی است که قانون‌گذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده است و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را برجای می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) مورد حکم دادگاه قرار گیرد، اصولاً به جز در موارد استثنائی قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد.^{۱۴}

استناد به مقررات مذکور در فوق، در مورد طرح‌های صنعتی در حقوق فرانسه قابل توجیه است؛ زیرا ویژگی هنری طرح‌های صنعتی موجب می‌گردد که طرح‌های صنعتی مرز میان مالکیت‌های صنعتی و مالکیت‌های ادبی و هنری به شمار آمده، بسته به مورد از مقررات هریک از دو دسته آثار برخوردار شود. بدیهی است استفاده طرح‌های صنعتی از مقررات مربوط به آثار ادبی و هنری منوط به این است که طرح مورد نظر شرایط حمایت از آثار ادبی و هنری را دارا باشد.

در حقوق ایران نیز در مورد انتقال کلی حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی باید گفت که چنین امری با مانعی مواجه نیست. البته همان‌گونه که برخی از نویسندگان (امامی، ۱۳۹۰: ۳۹۲) نیز بیان داشته‌اند، در فرض انتقال کلیه حقوق ناشی از طرح صنعتی، مالک قبلی دیگر حق استفاده و بهره‌برداری از آن را نخواهد داشت.

لیکن برخلاف حقوق فرانسه، در فرض انتقال کلی حق، نمی‌توان از لزوم تصریح به شیوه‌های بهره‌برداری در قرارداد سخن گفت؛ زیرا در حقوق ایران با مقررهای شبیه بند اخیر ماده 7-122L قانون مالکیت فکری فرانسه که بیانگر چنین تکلیفی است، مواجه نیستیم. به علاوه از قواعد عمومی قراردادها نیز چنین شرطی قابل استنباط نیست. به ویژه اینکه اصل صحت قراردادها نیز مؤید صحت قرارداد انتقال کلی حقوق مادی راجع به طرح صنعتی (در فرض عدم تصریح به شیوه‌های بهره‌برداری) است. در نتیجه احترام به اراده طرفین اقتضا می‌کند که در صورت انتقال کلی حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی، نیازی به تصریح جزئیات وجود نداشته باشد.

البته به نظر می‌رسد، در نظام حقوقی ایران نیز انتقال کلی حقوق ناشی از طرح‌های صنعتی، شیوه‌های بهره‌برداری ناشناخته در زمان انعقاد قرارداد را در بر نداشته و منصرف از چنین شیوه‌هایی است؛ زیرا نمی‌توان بهره‌برداری در قالب‌های مزبور را به اراده طرفین منتسب نمود. در این خصوص اصل عدم انتقال نیز به عنوان مؤید قابل استناد است. لازم به ذکر است در ماده ۶۵ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در قسمت مربوط به مقررات عام واگذاری و اجازه بهره‌برداری از حقوق، قرارداد واگذاری یا مجوز بهره‌برداری از حقوق مالی را شامل واگذاری یا مجوز بهره‌برداری از حقوقی که به‌طور صریح در قرارداد ذکر نشده است، ندانسته است (رک. شبیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶). ماده ۴۲ لایحه «حمایت از مالکیت فکری»^{۱۵} که توسط دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده نیز قراردادهای واگذاری و اجازه بهره‌برداری را شامل واگذاری یا اجازه بهره‌برداری از هر حقی که به‌طور صریح در آن ذکر شده، دانسته است.

در مورد لزوم یا عدم لزوم معلوم و معین بودن موضوع این‌گونه قراردادها در حقوق ایران، باید به قواعد عام قراردادها مراجعه نمود. بر این اساس و با توجه به بند

۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی و نیز ماده ۲۱۶ قانون مزبور، اصل کلی در این خصوص لزوم علم تفصیلی و معین بودن موضوع قرارداد است. هرچند در مواردی ممکن است برحسب نوع قرارداد، علم اجمالی به موضوع قرارداد کافی دانسته شود؛ بنابراین توجه به نوع و ماهیت قراردادی که بر اساس آن حقوق مربوط به طرح‌های صنعتی منتقل می‌گردد^{۱۶}، دارای اهمیت و در این خصوص تعیین‌کننده است؛ زیرا ممکن است ماهیت قراردادی که به موجب آن حقوق مربوط به طرح‌های صنعتی منتقل می‌گردد، به گونه‌ای باشد که در اثر فقدان علم تفصیلی به موضوع، عرفاً غرری محسوب گردد. در این صورت برای احتراز از غرر، علم تفصیلی به موضوع لازم و ضروری است. لیکن چنانچه مورد از مواردی باشد که از نظر عرف، انعقاد قرارداد مبتنی بر مسامحه باشد، علم اجمالی نسبت به موضوع کافی است.

نکته‌ای که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد این است که در حقوق ایران شیوه معلوم نمودن موضوع قراردادها از جمله قراردادهای مربوط به حقوق طرح‌های صنعتی، بر حسب معیارهای عرفی صورت می‌پذیرد. در حالی که در حقوق فرانسه تصریح به عناصر چهارگانه؛ شیوه، هدف، مکان و زمان بهره‌برداری، در قرارداد مربوط به حقوق طرح‌های صنعتی الزامی است. البته در ماده ۶۶ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط از لزوم ذکر نوع، هدف، مکان و مدت بهره‌برداری از اثر در قراردادهای واگذاری و اجازه بهره‌برداری از حقوق مالی آثار ادبی و هنری سخن به میان آورده است (رک. شبیری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۶). متن پیش‌نویس از این حیث شبیه بند نخست ماده ۳-۱۳۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه است. لازم به ذکر است در تبصره ۱ ماده ۴۲ لایحه «حمایت از مالکیت فکری» نیز از مشتمل بودن قراردادهای واگذاری و اجازه بهره‌برداری از اثر بر نوع، شیوه، مدت، مکان و هدف سخن گفته است با این تفاوت که در صورت عدم ذکر موارد مذکور، انتقال‌گیرنده یا دارنده مجوز را فقط مجاز به بهره‌برداری متعارف از آن از حیث موارد مذکور در زمان و مکان انعقاد قرارداد دانسته است.

در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات مربوط به معلوم و معین بودن قرارداد باید از بطلان قرارداد سخن گفت. البته ماهیت بطلان در حقوق ایران، بطلان

مطلق است؛ بدین معنی که قرارداد از ابتدا فاقد اثر بوده، اصلاح آن ممکن نیست. در حالی که در حقوق فرانسه، آن گونه که بیان شد، ضمانت اجرای عدم تعیین گستره موضوع قرارداد، بطلان نسبی قرارداد است. تفاوت بطلان نسبی با بطلان مطلق در این است که در مورد قرارداد باطل نسبی تا زمانی که ذی نفع بطلان بدان استناد ننماید، مانع تأثیرگذاری قرارداد نیست.

در پایان این گفتار پاسخ به این سؤال نیز شایسته است که آیا انتقال کلی طرح‌های صنعتی خلق نشده را می‌توان مورد پذیرش قرارداد؟ قانون مالکیت فکری فرانسه در قسمت مربوط به طرح‌های صنعتی تعیین تکلیف صریحی ننموده است؛ بنابراین در صورتی که طرح صنعتی حائز شرایط آثار هنری محسوب گردد، می‌توان از مقررات مربوط به حقوق ادبی و هنری در این خصوص بهره جست. در این راستا، ماده L131-1 قانون مالکیت فکری^{۱۷} در زمینه آثار ادبی و هنری، انتقال کلی آثار آتیه را باطل اعلام نموده است. (Pollaud -Dulian, 1999: 437) حکم مزبور برای حمایت از پدیدآورندگان مقرر شده، در نتیجه بطلان مذکور در ماده مزبور از نوع بطلان نسبی است. از این رو فقط پدیدآورنده حق دارد به بطلان مزبور استناد نماید. (Pollaud -Dulian, 2005: 590-59)

طبیعی است چنانچه طرح صنعتی مورد نظر، فاقد شرایط مربوط به آثار ادبی و هنری باشد، استناد به ماده L131-1 قانون مالکیت فکری ممکن نبوده، باید از قواعد عمومی قراردادها در این خصوص بهره گرفت. به موجب قاعده عمومی مندرج در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی فرانسه، اشیاء آینده به شرطی که مطابق ماده ۱۱۲۹ آن قانون قابل تعیین باشند، ممکن است موضوع قرارداد واقع شوند. (Terré et al., 1996: 218-219; Malaurie et al., 2009: 303) در خصوص پاسخ مسئله مزبور در حقوق ایران باید گفت، به نظر می‌رسد از سویی، به دلیل موجود نبودن موضوع قرارداد، انتقال کلی آثار آینده ممتنع است. از سوی دیگر، با توجه به معلوم نبودن کم و کیف آثار مربوط به آینده، چنین قراردادی غرری محسوب شده، نمی‌توان قائل به صحت آن گردید. جالب توجه است که ماده ۶۹ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط به این مسئله توجه نموده و مقرر داشته است: «چنانچه موضوع

قرارداد واگذاری کلیه آثار آینده پدیدآورنده باشد، قرارداد باطل است، مگر این که مشخصات آثار به اندازه کافی در قرارداد ذکر شده باشد و مدت قرارداد کم تر از ۵ سال باشد». لازم به ذکر است که چنین مقرره‌ای در لایحه مالکیت فکری تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی مشاهده نمی شود.

۳.۲. تعیین عوض

در خصوص نحوه تعیین عوض در قراردادهای انتقال حقوق مربوط به طرح‌های صنعتی یا اجازه بهره‌برداری از آن، قانون مالکیت فکری فرانسه در کتاب پنجم (طرح‌ها و مدل‌ها) حکم مستقلی ندارد. به همین دلیل و نیز به دلیل ویژگی هنری طرح‌های صنعتی، در این خصوص نیز به مقررات مربوط به حقوق ادبی و هنری استناد شده است. (Chavane et al. 2006: 697)

در خصوص آثار ادبی و هنری، به موجب ماده 4-L131 قانون مالکیت فکری فرانسه^{۱۸}، اصولاً عوض به صورت مشارکت پدیدآورندگان در عواید بهره‌برداری از اثر تعیین می شود. علت این قاعده حمایت از پدیدآورنده دانسته شده تا از سویی پدیدآورنده، حقوق بهره‌برداری خود راجع به اثر را با مبلغی ناچیز و مقطوع به دیگری منتقل نماید (Pollaud -Dulian, 2005: 595) و از سوی دیگر، پدیدآورنده در موفقیت‌های مالی ناشی از اثرش سهیم باشد (Lucas, 2001: 424; Pollaud -Dulian, 2005: 595) (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۶۴). با توجه به اینکه اصولاً عوض به صورت مشارکت پدیدآورندگان در عواید بهره‌برداری از اثر تعیین می شود، از اصل مشارکت نسبی^{۱۹} سخن به میان آمده است (cf. Pollaud -Dulian, 2005: 595).

البته باید توجه داشت که اصل مزبور با استثنائات فراوانی روبروست. به موجب بند دوم ماده 4-L131، موارد ذیل به عنوان استثنای بر اصل شمرده شده‌اند: ۱- فرضی که تعیین مبنای محاسبه مشارکت نسبی عملاً امکان‌پذیر نیست. ۲- موردی که ابزارهای اعمال کنترل مشارکت وجود نداشته باشد. ۳- فرضی که هزینه‌های محاسبه و کنترل با نتایج مورد نظر متناسب نباشد. ۴- چنانچه طبیعت یا شرایط بهره‌برداری از اثر، اعمال قاعده مشارکت نسبی را غیرممکن سازد. خواه نقش پدیدآورنده در ایجاد اثر فکری،

جنبه فرعی داشته، اساسی نباشد و خواه استفاده از اثر نسبت به موضوع بهره‌برداری، صرفاً دارای ویژگی فرعی باشد. ۵- در فرض انتقال حقوق مربوط به نرم افزارهای رایانه‌ای ۶- در سایر موارد پیش‌بینی شده در این قانون. به موجب بند اخیر ماده مورد بررسی، تبدیل حقوق ناشی از قراردادهای جاری به صورت اقساط معین سالانه، به درخواست پدیدآورنده و برای دوره‌های زمانی مشخص مجاز دانسته شده است.

علاوه بر استثنائات مذکور در فوق که ناظر به همه انواع قراردادهای بهره‌برداری است، برای اصل مشارکت نسبی در برخی از قراردادهای خاص بهره‌برداری، به صورت ویژه نیز استثنائاتی مقرر نموده است. به عنوان نمونه، می‌توان به ماده L132-6 قانون مالکیت فکری فرانسه اشاره نمود که در قالب نه بند، استثنای فراوانی را در خصوص قرارداد انتشار بیان داشته است.^{۲۰}

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، استثنائات راجع به اصل تعیین عوض به صورت مشارکت نسبی، متنوع و مصادیق آن متعدد است.

در هر حال آنچه در خصوص طرح‌های صنعتی قابل ذکر است اینکه چنانچه طرح‌های مزبور دارای ویژگی هنری بوده و شرایط لازم برای حمایت از راه حقوق ادبی و هنری را داشته باشد، مشمول مقررات مربوط به آثار ادبی و هنری خواهد بود. در نتیجه مقررات مربوط به تعیین ثمن که در کتاب نخست مالکیت فکری فرانسه پیش‌بینی شده، در مورد طرح‌های مزبور نیز قابل اجرا خواهد بود. بنابراین اصل مشارکت نسبی با رعایت استثنائات مربوط، در قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی نیز قابل استفاده است. البته همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (- Pollaud Dulian, 1999: 440) بیان داشته‌اند، در غالب موارد، قراردادهای مزبور مشمول استثنائات قرار داشته، عملاً ثمن در این قراردادها به صورت مقطوع تعیین می‌شود. به همین جهت برخی دیگر از حقوق‌دانان فرانسوی (Chavane et al., 2006: 697)، قراردادهای راجع به انتقال حقوق مربوط به طرح‌ها و مدل‌ها را از اجرای قاعده مشارکت نسبی گریزان دانسته، تعیین عوض در قراردادهای مزبور را به صورت مشارکتی بسیار نامطلوب ارزیابی نموده‌اند.

در تأیید مسئله مزبور به ویژه باید توجه داشت که معمولاً استفاده از طرح‌های

صنعتی در فعالیت‌های صنعتی و تجاری جنبه فرعی داشته، طرح صنعتی برای جلب نظر خریداران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع مطلوب اصلی برای مشتریان، خود محصول صنعتی است و طرح صنعتی به کار گرفته شده در آن موجب ترغیب بیشتر ایشان به خرید محصول می‌گردد. با این توضیح قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی نوعاً مشمول استثنای مذکور در بند ۴ ماده ۴-L131-4 قانون مالکیت فکری فرانسه قرار دارد که بر اساس آن، در مواردی که استفاده از اثر نسبت به موضوع بهره‌برداری، صرفاً دارای ویژگی فرعی باشد، عوض به صورت مقطوع تعیین می‌گردد.

در نظام حقوقی ایران، ضوابط ویژه‌ای برای تعیین ثمن در قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی به چشم نمی‌خورد. به همین ترتیب در خصوص قراردادهای مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری نیز مقررات ویژه‌ای وجود ندارد که بتوان از آن برای قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی بهره گرفت. بنابراین باید از قواعد عمومی قراردادها در این خصوص استفاده نمود. در قواعد عمومی قراردادها نیز اصولاً آنچه دارای اهمیت است، لزوم معلوم و معین بودن موضوع قراردادها است که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته و به وضوح از ماده ۲۱۶ قانون مدنی نیز قابل استنباط است. به موجب ماده اخیر، «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.»

حکم مزبور ریشه در فقه امامی داشته و به منظور احتراز از غرر است. در واقع در فقه امامی هنگامی که موضوع قرارداد معلوم و معین نیست، قرارداد غرری بوده، مشمول ادله بطلان معامله غرری از جمله حدیث نبوی که نهی از غرر فرموده (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۴۸؛ الأحسانی، ۱۴۰۳: ۲۴۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸: ۲۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۵۶۰-۵۶۱)، می‌گردد. بر همین اساس، در کتب مختلف فقهی به ویژه در مورد قرارداد بیع که به طور معمول، فقیهان امامی قواعد عمومی قراردادها را در ضمن آن مورد بررسی قرار می‌دهند، معلوم و معین نبودن موضوع قرارداد به دلیل این که به غرر می‌انجامد، موجب بطلان قرارداد اعلام شده است (در این خصوص، رک. علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۳-۵۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۵: ۱۳۷؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۱: ۱۷۴-۱۷۵؛ وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۱۲۳؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴۱۷؛ نائینی، ۱۴۱۳: ۴۹۶) با توجه به

آنچه بیان گردید، در نظام حقوقی ایران جز در موارد خاصه، اصل بر لزوم معلوم و معین بودن موضوع قراردادهاست.

حال باید دید آیا در خصوص قراردادهای راجع به طرح‌های صنعتی، می‌توان از مشارکت نسبی در عواید حاصل از بهره‌برداری بعدی از اثر (که نسبت به آن علم تفصیلی وجود ندارد) برای تعیین عوض قراردادی سخن گفت؟

پاسخ به این سؤال از این جهت دارای اهمیت است که در عمل، استفاده از مشارکت نسبی امری شایع است. طبیعی است اگر در چنین مواردی از لزوم علم تفصیلی سخن گفته شود در عمل با مشکلاتی مواجه خواهیم بود. به نظر می‌رسد برای برون رفت از مشکل می‌توان با توجه به عرف رایج در چنین قراردادهایی که علم اجمالی به عوض را کافی می‌داند، این مورد را از مصادیق «موارد خاصه» مندرج در ماده ۲۱۶ قانون مدنی دانست که علم اجمالی در مورد آن کافی دانسته شده است. البته لازمه این امر این است که همچون برخی از حقوق‌دانان (صفایی، ۱۳۸۵: ۱۳۴) ملاک تشخیص موارد خاصه مندرج در ماده مذکور را عرف به شمار آوریم. در دفاع از این نظر می‌توان به ملاک عرفی غرر در فقه نیز تمسک جست. در هر حال چنانچه موارد خاصه را ناظر به قراردادهای مسامحی یا موارد منصوص در قوانین بدانیم (رک. کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۲)، چاره‌ای جز توجه به قالب انتخاب شده برای قراردادهای راجع به طرح صنعتی نخواهیم داشت. توضیح این‌که چنانچه قالب انتخاب شده یکی از قراردادهای مسامحی یا یکی از قراردادهایی که قانون علم اجمالی به موضوع آن را کافی دانسته است، مانند جعاله (ماده ۵۶۳ قانون مدنی) یا صلح مسامحی باشد، عوض می‌تواند به صورت مشارکت نسبی تعیین گردد. البته راه‌حل دیگری که می‌تواند مفید باشد این است که برای برقراری مشارکت نسبی از نهاد شرط ضمن عقد استفاده شود. در واقع در مورد موضوع شروط ضمن عقد علم اجمالی کافی به نظر می‌رسد و شرطی که نسبت به موضوع آن علم تفصیلی وجود نداشته باشد، جزء شروط باطل مندرج در ماده ۲۳۲ قانون مدنی نیست (در تأیید پذیرش علم اجمالی در مورد شروط ضمن عقد، رک. شهیدی، ۱۳۸۶: ۹۳).

۴. شرایط شکلی

در خصوص طرح‌های صنعتی که مرز میان مالکیت‌های ادبی و هنری و مالکیت‌های صنعتی به شمار می‌آید، باید گفت از سویی، در خصوص برخی از قراردادهای ناظر به آثار ادبی و هنری، از شرط نوشته (کتبی بودن) سخن به میان آمده است. از سوی دیگر، برخلاف مالکیت‌های ادبی و هنری که حمایت از آن‌ها اصولاً بدون تشریفات صورت می‌پذیرد، حمایت از مالکیت‌های صنعتی اصولاً منوط به رعایت تشریفات ثبت است.

حال با توجه به ویژگی دوگانه طرح‌های صنعتی، ابتدا باید به بررسی نقش نوشته در تشکیل قراردادهای راجع به طرح‌های صنعتی در هر یک از دو نظام حقوقی مورد بررسی پرداخت و سپس در خصوص لزوم یا عدم لزوم ثبت یا انتشار قراردادهای مزبور در نظام‌های حقوقی مزبور سخن گفت.

۴.۱. نقش نوشته در تشکیل قرارداد

قانون مالکیت فکری فرانسه در قسمت مربوط به طرح‌های صنعتی (کتاب پنجم) سخنی از لزوم نوشته به عنوان شرط ثبوتی یا اثباتی در مورد قراردادهای ناظر به طرح‌های صنعتی به میان نیاورده است. ضمن اینکه در حقوق فرانسه، اصل بر رضایی بودن^{۲۱} قراردادهاست. (cf. Flour et al., 2002: 67 s. et 219 s.; Marty et al., 2002: 51 s.; Raynaud, 1988: 27 s.; Weill et Terré, 1980: 51 s.) بنابراین اصولاً انعقاد قراردادهای مربوط به طرح صنعتی مستلزم وجود نوشته نیست.

در عین حال باید توجه داشت که با توجه به اصل وحدت هنر، در مواردی که طرح صنعتی از شرایط مربوط به آثار ادبی و هنری برخوردار است، باید مقررات قانون مالکیت فکری فرانسه در قسمت مربوط به حقوق ادبی و هنری (کتاب نخست) را مورد توجه قرار داد. در این راستا، با ماده L131-2 مالکیت فکری فرانسه^{۲۲} مواجه هستیم که به موجب آن، کتبی بودن قراردادهای عرضه، انتشار و برخی قراردادهای دیگر شرط دانسته شده است (cf. Chavane et al. 2006: 698).

البته در خصوص شرط کتبی بودن قرارداد، باید گفت از سویی، رویه قضایی

فرانسه و دکترین حاکم شرط کتبی بودن قراردادهای مذکور در ماده مزبور را به عنوان شرطی اثباتی به شمار می‌آورد. (cf. Pollaud -Dulian, 2005: 581; Lucas, 2001:) کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۶۸) از سوی دیگر، با توجه به فلسفه شرط مزبور که در صدد حمایت از پدیدآورنده مقرر شده، شرط مزبور مربوط به قراردادهایی است که پدیدآورنده با اشخاص دیگر منعقد می‌نماید ولی در خصوص قراردادهای بعدی شرط مزبور الزامی نیست. (Chavane et al., 2006: 698)

بنابراین چنانچه حمایت از طرح صنعتی از راه حقوق ادبی و هنری مطرح باشد، اجرای حکم مذکور در قلمرو پیش‌بینی شده در ماده پیش گفته لازم خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران سخنی از شرط کتابت در مقررات مربوط به طرح‌های صنعتی به چشم نمی‌خورد. بنابراین موضوع مشمول قواعد عمومی قراردادها بوده، باید بر اساس اصل رضایی بودن قراردادها^{۳۳}، از عدم شرطیت کتابت سخن گفت.

البته تسلیم قرارداد و ارائه مدارکی از جمله «سند رسمی حاکی از انتقال» برای ثبت حقوق ناشی از طرح صنعتی لازم دانسته شده است. توضیح اینکه لزوم تسلیم قرارداد در ماده ۵۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ پیش‌بینی شده است. بدیهی است تسلیم قرارداد مستلزم کتبی بودن آن است. ماده ۹۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۸۷ نیز از لزوم ارائه سند رسمی حاکی از انتقال برای ثبت سخن گفته است. البته باید توجه داشت که تشریفات مزبور شرط لازم برای انعقاد قرارداد به شمار نیامده، همان‌گونه در گفتار بعد به تفصیل بیان خواهد شد، شرط ثبت محسوب می‌شوند و از ضمانت اجرای مربوط به عدم ثبت برخوردار خواهند بود.

۴.۲. انتشار قرارداد (از راه ثبت آن یا سایر راه‌های قانونی)

در حقوق فرانسه، هرچند اعتبار قراردادهای ناظر به طرح‌های صنعتی در روابط میان طرفین منوط به تشریفات اعلان و انتشار قرارداد از راه ثبت قرارداد یا سایر راه‌های قانونی نگردیده، لیکن قابلیت استناد قرارداد در برابر اشخاص ثالث مستلزم ثبت دانسته شده است. در این راستا، ماده L513-3 قانون مالکیت فکری فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۸) مقرر می‌دارد، «هر عملی که حقوق مربوط به طرح یا مدل ثبت شده را تغییر دهد یا

منتقل نماید، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست مگر اینکه عمل مزبور در دفتر ملی ثبت طرح‌ها و مدل‌ها^{۲۴} به ثبت رسیده باشد...»^{۲۵}

همان‌گونه که از متن قانونی فوق استنباط می‌شود، ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات ثبت، عدم قابلیت استناد^{۲۶} است. در واقع گاهی به‌رغم معتبر بودن قرارداد میان طرفین، اشخاص ثالث الزامی به پذیرش آن ندارند. به دیگر سخن، از آنجایی که این عمل باطل نیست، طرفین قرارداد را به یکدیگر مرتبط می‌کند، ولی ایشان نمی‌توانند از قرارداد مزبور در مقابل اشخاص ثالث بهره ببرند. در موضوع مورد بررسی نیز قانون‌گذار فرانسه به منظور حمایت از اشخاص ثالث، دستور ثبت عمل حقوقی ناظر به طرح‌های صنعتی را داده است. به همین جهت ضمانت اجرای عدم ثبت، بطلان عمل حقوقی نبوده، نتیجه آن عدم قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث است.^{۲۷}

البته باید توجه داشت که به موجب بند دوم ماده 3-513 قانون مالکیت فکری فرانسه، چنانچه عمل حقوقی ناظر به طرح صنعتی به ثبت نرسیده باشد، عمل مزبور در برابر اشخاص ثالثی که پس از قرارداد مزبور و با آگاهی از آن، در خصوص طرح صنعتی مزبور، حقوقی تحصیل نموده‌اند، قابل استناد خواهد بود.

در خصوص لزوم رعایت تشریفات در نظام حقوقی ایران، توجه به ماده ۵۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری شایسته است. به موجب ماده مزبور، «هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرح‌های صنعتی ثبت شده، یا علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آن‌ها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی، مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این‌گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، به موجب قسمت انتهایی ماده مورد بررسی، قابلیت استناد قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی ثبت شده در برابر اشخاص ثالث، منوط به ثبت در اداره مالکیت صنعتی و آگهی نمودن قرارداد است. با توجه به تکلیف مقرر در ماده مورد بررسی، باید گفت برای استناد قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی در برابر اشخاص ثالث، از سویی، باید قرارداد مزبور در اداره مالکیت صنعتی

ثبت گردد و از سوی دیگر، نسبت به آگهی آن اقدام شود. در همین راستا و بر اساس ماده ۹۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، «کلیه تغییرات و انتقالات یا فسخ و خاتمه و یا اعراض از طرح صنعتی ثبت شده در صفحه مخصوص مربوط به ثبت طرح صنعتی، ثبت و در ظهر گواهی‌نامه طرح صنعتی درج می‌گردد و جز در مورد تغییر نشانی، به هزینه ذی نفع ظرف ۳۰ روز از تاریخ ثبت در روزنامه رسمی آگهی می‌شود. موارد مذکور تا زمانی که به ثبت نرسیده‌اند، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نمی‌باشند...» البته باید توجه داشت که بر اساس مستنبط از مواد ۸۰ و ۹۵ آیین‌نامه اجرایی قانون، ثبت قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی در اداره مالکیت صنعتی، منوط به درخواست کتبی ذی نفع است.

به علاوه ماده ۹۵ از لزوم ارائه مدارکی به عنوان ضمیمه درخواست کتبی سخن گفته است. جالب توجه اینکه در شمار مدارک مزبور، «سند رسمی حاکی از انتقال» به چشم می‌خورد.

همچنین به موجب ماده ۱۷۸ آیین‌نامه، «انتقال حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه یا اختراع، طرح صنعتی و علامت ثبت شده یا اعطاء اجازه بهره برداری از آن‌ها یا اعراض از حق نسبت به اختراع، طرح صنعتی و علامت ثبت شده، به موجب سند رسمی به عمل می‌آید...». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عبارات مذکور به روشنی دلالت بر لزوم تنظیم سند رسمی برای انعقاد قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی می‌نماید. مواد مذکور قابل انتقاد به نظر می‌رسد زیرا متضمن مقرره‌ای جدید می‌باشند که قانون از آن سخن به میان نیاورده است. در واقع، با توجه به عدم پیش‌بینی شرط مزبور در قانون، اشتراط آن در آیین‌نامه ناصواب به نظر می‌رسد.

۵. نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران و فرانسه به رغم وجود مقررات مختصری درباره ثبت قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی، در مورد تشکیل قراردادهای مزبور احکام ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است. به همین جهت، حقوق‌دانان فرانسوی برای تبیین قواعد

حاکم بر قراردادهای اخیر، علاوه بر استفاده از قواعد عمومی قراردادها، با تمسک به اصل وحدت هنر از مقررات مربوط به حقوق ادبی و هنری مدد جستجو کند. در نظام حقوقی ایران به رغم امکان پذیرش اصل وحدت هنر، استناد به آن در مسئله مورد بررسی (جز در برخی موارد) فایده زیادی در بر نخواهد داشت. زیرا در مقررات ادبی و هنری نیز مقررات ویژه‌ای برای تشکیل قراردادهای ناظر به حقوق ادبی و هنری پیش‌بینی نشده است. در نتیجه راه حل عملی، مراجعه به قواعد عمومی قراردادها است. حال با بررسی‌های به عمل آمده در هر یک از دو نظام حقوقی مورد بررسی با روش‌های مذکور، امکان انتقال کلی و جزئی حقوق مادی ناشی از طرح صنعتی وجود دارد. البته در مورد انتقال کلی حقوق، به موجب حقوق فرانسه، تصریح به جزئیات حقوق مورد انتقال و شیوه‌های بهره‌برداری لازم دانسته شده است. در حالی که در حقوق ایران تبیین جزئیات مزبور لازم نیست. البته در هیچ یک از دو نظام حقوقی، اصولاً شیوه‌های بهره‌برداری ناشناخته در زمان انعقاد قرارداد از گستره موضوع قرارداد خارج است.

در حقوق فرانسه لازم است که هر یک از حقوق مورد انتقال از حیث شیوه بهره‌برداری، هدف آن، مکان و زمان بهره‌برداری مشخص گردد. در حالی که در حقوق ایران آنچه مهم است، لزوم معلوم و معین بودن بر اساس معیارهای عرفی و برای احتراز از غرر است. بدیهی است در مواردی که قرارداد مبتنی بر غرر نیست، وجود علم اجمالی نیز کفایت می‌کند.

همچون نظام حقوقی فرانسه، انتقال حقوق آینده در نظام حقوقی ایران قابل پذیرش نیست. البته باید توجه داشت که ضمانت اجرای شرایط مربوط به قراردادهای مورد بحث، در نظام حقوقی فرانسه بطلان نسبی و در نظام حقوقی ایران بطلان مطلق است.

در حقوق فرانسه در خصوص عوض در قراردادهای مزبور نیز از مقررات مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری استفاده شده است. بر اساس مقررات اخیر اصولاً عوض قرارداد به صورت مشارکت نسبی تعیین می‌شود. البته اصل مزبور دارای استثنائاتی است که قراردادهای مربوط به طرح‌های صنعتی نیز عملاً مشمول استثنائات مزبور قرار

داشته، عوض به صورت مبلغی مقطوع تعیین می‌شود. در حقوق ایران ضابطه ویژه‌ای برای تعیین عوض وجود ندارد و باید بر اساس قواعد عمومی قراردادها عمل نمود. از نقطه نظر شکلی نیز باید توجه داشت که کتبی بودن قرارداد در هیچ یک از دو نظام حقوقی مورد بررسی شرط تشکیل قرارداد به شمار نمی‌آید. البته در حقوق فرانسه کتبی بودن قرارداد مربوط به طرح صنعتی به عنوان یک اثر ادبی و هنری، شرط اثبات قرارداد به شمار می‌آید. در هر دو نظام حقوقی ثبت قرارداد شرط قابلیت استناد آن در برابر اشخاص ثالث به شمار آمده است.

پی‌نوشت‌ها

¹ - Unité de l'art.

² - Pouillet.

³ - Les œuvres d'art appliqué.

آثار مربوط به هنر کاربردی آثار هنری هستند که هدف از آنها آراستن و جذاب نمودن محصولات صنعتی است (Pollaud -Dulian, 2005: 34).

⁴ - Article L513-2 Créé par Ordonnance n°2001-670 du 25 juillet 2001- art. 1 JORF 28 juillet 2001: "Sans préjudice des droits résultant de l'application d'autres dispositions législatives, notamment des livres Ier et III du présent code, l'enregistrement d'un céder ou concéder dessin ou modèle confère à son titulaire un droit de propriété qu'il peut."

⁵ - Le droit d'auteur.

⁶ - Dispositions générales relatives au droit d'auteur, aux droits voisins et droits des producteurs de bases de données.

^v - برای ملاحظه نظرات حقوق‌دانان در این خصوص، رک. (Desbois, 1966: 422; Pollaud-Dulian,)

(2005: 387) (کلمبه، ۱۳۸۵: ۱۰۴؛ صفایی، ۱۳۸۶: ۸۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۹۹)

⁸ - Article L131-4: "La cession par l'auteur de ses droits sur son oeuvre peut être totale ou partielle...."

⁹ - Article L122-7: "... Lorsqu'un contrat comporte cession totale de l'un des deux droits visés au présent article, la portée en est limitée aux modes d'exploitation prévus au contrat."

¹⁰ - étendue.

¹¹ - destination.

¹² - lieu.

¹³ - durée.

^{۱۴} - برای مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم بطلان نسبی و ضابطه تشخیص آن از نهادهای مشابه، رک.، (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۴۵-۲۷۰).

^{۱۵}- این لایحه که به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت‌وزیران به تصویب رسیده بود، در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۶ برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده است (<http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=12&Id=254030>) (آخرین بازدید: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰).

البته لازم به ذکر است که لایحه تقدیمی که به منظور تدوین جامع مقررات مربوط به مالکیت‌های فکری طراحی گردیده، صرفاً متضمن «کتاب اول- مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» است.

^{۱۶}- بررسی ماهیت قراردادهای مربوط به حقوق طرح‌های صنعتی مجال دیگری می‌طلبد.

^{۱۷}- Article L131-1: "La cession globale des oeuvres futures est nulle."

^{۱۸}- Article L131-4 "...Elle doit comporter au profit de l'auteur la participation proportionnelle aux recettes provenant de la vente ou de l'exploitation..."

^{۱۹}- Le principe de la participation proportionnelle.

^{۲۰}- برای ملاحظه تفصیلی استثنائات، رک. (Desbois, 1966: 615 s.; Pollaud-Dulian, 2005: 599- (600; Lucas, 2001: 430 s.

^{۲۱}- Le principe de consensualisme.

^{۲۲}-Article L131-2 "Les contrats de représentation, d'édition et de production audiovisuelle définis au présent titre doivent être constatés par écrit..."

^{۲۳}- در خصوص اصل رضایی بودن قراردادهای حقوق ایران، رک. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۵ و ۵۶؛ صفایی، ۱۳۸۵: ۴۸؛ رفیعی مقدم: ۱۳۹۰).

^{۲۴}- مواد R512-13 تا R512-19 قسمت آیین‌نامه‌ای قانون مالکیت فکری فرانسه، به تبیین مقررات مربوط به دفتر ثبت ملی طرح‌ها و مدل‌ها و ساماندهی آن پرداخته است.

^{۲۵}- Article L513-3 Modifié par LOI n°2008-776 du 4 août 2008- art. 133 "Tout acte modifiant ou transmettant les droits attachés à un dessin ou modèle déposé n'est opposable aux tiers que s'il a été inscrit au registre national des dessins et modèles."

^{۲۶}- Inopposabilité.

^{۲۷}- برای ملاحظه مفهوم دقیق قابلیت و عدم قابلیت استناد و مقایسه آن با مفهوم بطلان، رک. (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۳).

منابع

الف. فارسی

امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق مالکیت صنعتی، تهران: نشر میزان.

امیری، حسین علی (۱۳۸۸). اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان

قواعد حاکم بر موضوع و شرایط شکلی قراردادهای واگذاری حقوق... ۱۳۳

جهانی تجارت و حقوق ایران، تهران: نشر میزان.

آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷.

رفیعی مقدم، علی (۱۳۹۰). اصل رضایی بودن اعمال حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: انتشارات سمت.

شبییری، سید حسن، سایر همکاران (۱۳۸۹). پیش نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، تهران: شورای عالی اطلاع رسانی.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). حقوق مدنی، ج ۴، شروط ضمن عقد، تهران: انتشارات مجد.

صفایی، سید حسین (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، قواعد عمومی قراردادها، تهران: نشر میزان.

صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان.

قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶.

قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.

قانون مدنی.

قبولی درافشان سید محمدمهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۱). نظریه عمومی بطلان

(مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه)، تهران: انتشارات جنگل.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد - ایقاع، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کلمبه، کلود (۱۳۸۵). اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه

و توضیح علی رضا محمدزاده وادقانی، تهران: نشر میزان.

لایحه «حمایت از مالکیت فکری» مصوب ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت وزیران.

محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۸۹). مفهوم و آثار بطلان

نسبی، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۳، ۲۴۵-۲۷۰.
 میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: نشر میزان.
 میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، ج ۲، تهران: نشر میزان.

ب. عربی

الأحسانی، ابن أبی جمهور (۱۴۰۳). عوالمی اللالی، ج ۲، قم: سید الشهداء.
 حر عاملی، محمد (۱۴۱۴). وسائل الشیعة، ج ۱۷، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
 لإحیاء التراث.
 علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تذکره الفقهاء، ج ۱۰، قم: مؤسسه آل البيت
 علیهم السلام لإحیاء التراث.
 علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۵). مختلف الشیعة، ج ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 محقق اردبیلی، أحمد (۱۴۱۱). مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳). کتاب المکاسب و البیع (تقریرات توسط شیخ محمد تقی
 آملی)، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 نجفی، محمد حسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام، ج ۲۲، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
 نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۸). مستدرک سفینه البحار، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹). مستدرک سفینه البحار، ج ۷، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۷). حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، بی‌جا: مؤسسه
 العلامة المجدد الوحید البهبهانی.

ج. لاتین

Chavane, Albert, Burst, Jean-Jacques, Azéma, Jacques et Galloux, Jean-
 christophe (2006). **Droit de la propriété industrielle**, Paris, Dalloz,
 6e éd.
 Code civil français 1804.
 Code de la propriété intellectuelle 1992.
 Desbois, Henri (1966). **Le droit d'auteur**, Paris, Dalloz, 2e éd.

- Flour, J., Aubert, J. L. et Savaux, É. (2002). **Les obligations, L'acte juridique**, Paris, Armand Colin et Delta, 2^e éd.
- Greffe, Pierre, Dessins et Modèles (1976). **Domaine d'application des différentes lois**, Juris-classeur Commercial, Annexes, Fascicule IV.
- Lucas, A. et H.-J. (2001). **Traité littéraire et artistique**, Litec, 2^e éd.
- Malaurie, Philippe, Aynès, Laurent et Stoffel-Munck, Philippe (2009). **Droit civil, Les obligations**, Paris, Defrénois, 4^e éd.
- Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre (1988). **Droit civil, les obligations**, T.1, 2^e éd., Paris, Sirey.
- Pollaud-Dulian, Frédéric (1999). **Droit de la propriété industrielle**, Paris, Montchrestien.
- Pollaud-Dulian, Frédéric (2005). **Le droit d'auteur**, Paris, Economaca.
- Terré, François, Simler, Philippe et Lequette, Yves (1996). **Droit civil, Les obligations**, Paris, Dalloz, 6^e éd.
- Weill, Alex et Terré, François (1980). **Droit Civil, les obligations**, 3^e éd., Paris, Dalloz.
- WIPO (9/3/2016). Dessins et Modèles Industriels et l'Arrangement de La Haye: Introduction, available at:
http://www.wipo.int/freepublications/fr/designs/429/wipo_pub_429.pdf.